

## یک‌شات تاریخ

یک ثانیه مکث کنید. یک دوربین عکاسی دیجیتال در همین یک ثانیه تا ۲۰ فریم عکس می‌گیرد. این یعنی حتی شعبده‌بازها هم نمی‌توانند از لنز افشاگر دوربین‌های جدید عکاسی در امان بمانند. دوربین‌های کوچک،

دیجیتال و سریع نه فقط دنیای عکاسی که دنیای رسانه‌های خبری را هم شگفت‌زده و متحول کرده‌اند. انگار همه مخاطبان رسانه‌های جهان پشت لنز کوچک یک دوربین جیبی جمع می‌شوند و یک رویداد خبری را ثبت می‌کنند. امروزه رسانه‌های اینترنتی و مجازی بیش از هر چیز بر عکس به‌عنوان محتوای خبر تکیه می‌کنند. پیش از این، متن و نوشتار، محتوای اصلی یک

آکوسالمی از تغییر در زیبایی‌شناسی و فرم عکاسی در عکس‌های موبایلی می‌گوید

## چند و چون عکاسی خبری در عصر اینستاگرام

شاید ریبیعی آکوسالمی عکاس شناخته شده و مطرح ایرانی در دنیای عکاسی است. او در دهه‌سسال اخیر دوربین حرفه‌ای عکاسی‌اش را زمین گذاشت و موبایلش را برداشت تا نخستین عکاس حرفه‌ای ایرانی باشد که عکاسی با موبایل را به‌عنوان یک وجه جدی از عکاسی مستند و خبری انتخاب کرده‌است. سالمی با عکس‌های موبایلی‌اش نمایشگاه‌های متعددی در ایران و خارج از کشور برگزار کرد. او همچنین جوایز متعدد و معتبری گرفت و عکس‌ها و گزارش‌های تصویری‌اش را در رسانه‌های اثرگذاری همچون نیویورک تایمز، تایم، ام‌اس‌ان‌بی‌سی و... به‌انتشار رساند. آکوسالمی متولد ۱۳۶۰ در بوکان و دانش‌آموخته مرکز کارشناسی رشته تئاتر از دانشگاه آزاد تهران است. او عکاسی را از سال ۱۳۷۹ به صورت آنالوگ شروع کرد و بعدها به مدت ۱۰ سال با روزنامه‌های کشور همکاری داشت. او هم‌پنک به صورت آزاد به کار عکاسی مستند مشغول است. سالمی گروه عکاسی هیکاری کریتورا را که شامل پنج عکاس از پنج کشور مختلف است، راه‌اندازی کرده‌است.

### انتشار عکس‌های موبایلی و... است.

به‌موضوع مهمی اشاره می‌کنید، البته برای مواجه شدن با عکس به‌عنوان یک رسانه باید موضوعات متعدد و متنوعی را مطرح کرد. در چهار، پنج‌سال اخیر با ورود گسترده موبایل‌های هوشمند به چرخه زندگی روزمره، دوربین عکاسی موبایل‌ها پیشرفت‌های بسیار زیادی کرده‌است. از نقای سطح کیفی عکس‌های موبایلی چنان‌گونه که حتی خیلی از عکاسان برجسته جهان را هم راضی به استفاده از موبایل برای عکاسی کرده و این کار تا جایی پیش رفته که امروزه دیگر دوربین موبایل جزوی از ابزارهای ضروری عکاسان خبری شده‌است. این از یک‌سو اما از سوی دیگر هم‌زمان با توسعه موبایل‌های هوشمند شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر گوشی‌های هوشمند تلفن همراه نیز رشد و توسعه گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند. شبکه‌هایی همچون Instagram، EyeEm و... در چندسال اخیر به محبوب‌ترین و پربازدیدترین شبکه‌های اجتماعی دنیا تبدیل شده‌اند. البته در این میان اینستاگرام به دلیل سادگی در شیوه استفاده از امکانش، بیشتر و بهتر توانست در دل کاربران شبکه‌های

اجتماعی جا باز کند. به‌رحال این را می‌توانم بگویم که لحظه

هر زمانی این دو اتفاق، یعنی روز آمدی مداوم گوشی‌های تلفن همراه و توسعه دوربین‌های آنها و همچنین توسعه شبکه‌های اجتماعی موبایلی و گسترش استفاده از آنها، یکبارہ جهان عکاسی را با یک نقطه عطف بزرگ مواجه کرد. نخستین شاخص که در این باره باید به آن اشاره کنم، سرعت عمل بالا در استفاده از موبایل بود. یک عکاس در لحظه مواجه با سوژه، موبایل را از جیبش بیرون می‌آورد و بدون نیاز به تنظیمات معمول برای عکاسی با موبایل از سوژه‌اش عکس می‌گیرد. شاخص دوم

که اهمیت بالایی دارد، کاهش جلب توجه مردم به عکاس بود. پیش از این بدنه بزرگ دوربین‌های عکاسی توجه سوژه و دیگران را به عکاس بسیار جلب می‌کرد و این اتفاق خوشایند عکاسان نیست. ضمن این که کاهش جلب توجه کمک می‌کند عکس طبیعی‌تر جلوه کند و این یک امتیاز مهم برای عکاسی با موبایل است. اما شاخص سوم که تحول گسترده‌ای در عکس به‌عنوان یک رسانه ایجاد کرد، امکان ادیت و انتشار سریع عکس بود. در واقع موبایل‌های هوشمند باعث شدند فرآیند و پروسه خلق یک عکس که از دیدن سوژه تا انتشار عکس را شامل

هم بودند. امروزه با گذشت ۱۶ سال از آن روزها دیگر کمتر کسی با دوربین آنالوگ عکاسی می‌کند و این نوع عکاسی به سبب هزینه‌های بسیار زیادش، لاکچری و اشرافی شده‌است و کمتر به‌درد عکاسان خبری و مستند... می‌خورد.

دوربین‌های دیجیتال اصولاً در عکاسی انقلابی به پا کردند. دیجیتال امکان ثبت لحظه‌ها را بسیار دقیق‌تر کرد. همین الان که شما عکس‌های المیک را نگاه کنید می‌بینید که یک عکس از یک شناساگر یا دونه یا زونه‌باز در لحظه‌ای بسیار کوتاه ثبت شده و زیبایی خارق‌العاده‌ای ایجاد کرده است. دوربین‌های جدید قابلیت ثبت ۱۵ فریم عکس را در یک ثانیه دارند. انواع و اقسام حساسیت‌ها را در عکس می‌توان کنترل کرد و سرعت کار به‌تو بسیار عجیب و غریبی بالا رفته‌است.

حالا همه این تغییرات و اصلاحاتی که در دوربین‌های دیجیتال اتفاق افتاده، کم‌کم در دوربین موبایل‌ها هم تجربه می‌شود. حالا فکر کنید چه اتفاق‌هایی خواهد افتاد؟ غیر از این است که لحظه‌های کوچک و به‌چشم‌نیامدنی زندگی بیشتر اهمیت می‌یابند؛ پیش از این ما سال‌ها و روزهای

خبر را تشکیل می‌داد اما حالا عکس جای متن را گرفته‌است. این جابه‌جایی بی‌دلیل نیست. اگر به‌مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر نگاه کنید، می‌بینید که قریب به اتفاق این رویدادها در قالب عکس برای ما ماندگار شده‌اند. نه در خلال کلمات و فیلم‌ها، ما مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر را با عکس‌هایی که در باره‌شان دیدیم به‌خاطر می‌آوریم، نه از آنجا که گزارش‌ها یا خبرهایی که درباره‌شان نوشته و چاپ شده‌است. این راز جادوانگی عکس است. عکس با

خصلت ذاتی‌اش یعنی ثبت لحظه و بسا کمترین دخل و تصرف در واقعیت یک رویداد را به جادوانگی متصل می‌کند. عکاسی خبری به‌عنوان زمینه و بستر اصلی ثبت تاریخ در دوران ما چالش‌ها و مسائل مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کند. امروز با احترام به روز ۲۸ مرداد که روز جهانی عکس نام دارد و پنجشنبه هفته پیش آفتابش غروب کرد، سعی می‌کنیم مهم‌ترین مسائل مربوط به عکاسی خبری در ایران را بحث و بررسی کنیم.



عکس: اینستاگرام آکوسالمی

اجتماعی جا باز کند. به‌رحال این را می‌توانم بگویم که لحظه هر زمانی این دو اتفاق، یعنی روز آمدی مداوم گوشی‌های تلفن همراه و توسعه دوربین‌های آنها و همچنین توسعه شبکه‌های اجتماعی موبایلی و گسترش استفاده از آنها، یکبارہ جهان عکاسی را با یک نقطه عطف بزرگ مواجه کرد. نخستین شاخص که در این باره باید به آن اشاره کنم، سرعت عمل بالا در استفاده از موبایل بود. یک عکاس در لحظه مواجه با سوژه، موبایل را از جیبش بیرون می‌آورد و بدون نیاز به تنظیمات معمول برای عکاسی با موبایل از سوژه‌اش عکس می‌گیرد. شاخص دوم

که اهمیت بالایی دارد، کاهش جلب توجه مردم به عکاس بود. پیش از این بدنه بزرگ دوربین‌های عکاسی توجه سوژه و دیگران را به عکاس بسیار جلب می‌کرد و این اتفاق خوشایند عکاسان نیست. ضمن این که کاهش جلب توجه کمک می‌کند عکس طبیعی‌تر جلوه کند و این یک امتیاز مهم برای عکاسی با موبایل است. اما شاخص سوم که تحول گسترده‌ای در عکس به‌عنوان یک رسانه ایجاد کرد، امکان ادیت و انتشار سریع عکس بود. در واقع موبایل‌های هوشمند باعث شدند فرآیند و پروسه خلق یک عکس که از دیدن سوژه تا انتشار عکس را شامل

هم بودند. امروزه با گذشت ۱۶ سال از آن روزها دیگر کمتر کسی با دوربین آنالوگ عکاسی می‌کند و این نوع عکاسی به سبب هزینه‌های بسیار زیادش، لاکچری و اشرافی شده‌است و کمتر به‌درد عکاسان خبری و مستند... می‌خورد.

دوربین‌های دیجیتال اصولاً در عکاسی انقلابی به پا کردند. دیجیتال امکان ثبت لحظه‌ها را بسیار دقیق‌تر کرد. همین الان که شما عکس‌های المیک را نگاه کنید می‌بینید که یک عکس از یک شناساگر یا دونه یا زونه‌باز در لحظه‌ای بسیار کوتاه ثبت شده و زیبایی خارق‌العاده‌ای ایجاد کرده است. دوربین‌های جدید قابلیت ثبت ۱۵ فریم عکس را در یک ثانیه دارند. انواع و اقسام حساسیت‌ها را در عکس می‌توان کنترل کرد و سرعت کار به‌تو بسیار عجیب و غریبی بالا رفته‌است.

حالا همه این تغییرات و اصلاحاتی که در دوربین‌های دیجیتال اتفاق افتاده، کم‌کم در دوربین موبایل‌ها هم تجربه می‌شود. حالا فکر کنید چه اتفاق‌هایی خواهد افتاد؟ غیر از این است که لحظه‌های کوچک و به‌چشم‌نیامدنی زندگی بیشتر اهمیت می‌یابند؛ پیش از این ما سال‌ها و روزهای

خبر را تشکیل می‌داد اما حالا عکس جای متن را گرفته‌است. این جابه‌جایی بی‌دلیل نیست. اگر به‌مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر نگاه کنید، می‌بینید که قریب به اتفاق این رویدادها در قالب عکس برای ما ماندگار شده‌اند. نه در خلال کلمات و فیلم‌ها، ما مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر را با عکس‌هایی که در باره‌شان دیدیم به‌خاطر می‌آوریم، نه از آنجا که گزارش‌ها یا خبرهایی که درباره‌شان نوشته و چاپ شده‌است. این راز جادوانگی عکس است. عکس با

عمرمان را می‌شمردیم، اما توسعه تکنولوژی این واحد زمانی را می‌توانیم کاهش داده‌است. دنیای عکاسی در کاهش این واحد زمانی اثرگذاری زیادی دارد. شامی توانید کوچک‌ترین لحظه‌های عمرتان را ثبت و ماندگار کنید. انگار دوربین‌ها و عکس‌ها وارد جهان درونی انسان‌ها می‌شود و تغییرات بسیار جزئی در حس صورت‌ها را در یک زمان بسیار کوتاه ثبت و ضبط می‌کند.

کدام یک از انواع مختلف دوربین‌ها در زمان حاضر بیشتر به‌درد رسانه‌ها می‌خورد. امروز همان‌طور که می‌دانید محتوای اصلی رسانه‌ها دیگر مثل سابق متن نیست، بلکه عکس‌ها و فیلم‌های کم‌حجم هستند که در بسیاری از موارد محتوای اصلی و جذاب رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد.

من هم با دوربین‌های آنالوگ عکاسی کرده‌ام، هم با دوربین‌های دیجیتال و هم با موبایل. در مورد عکاسی با موبایل اگر بخواهیم حرف بزنیم همواره باید حواسمان به اینستاگرام هم باشد، چون این دو هم جدا نیستند. عکاسی با موبایل با توجه به قواعدی که شبکه اجتماعی اینستاگرام برای انتشار عکس در نظر گرفته بود، یک جهان بینی و نگرش وجودی به جهان را باز تولید می‌کرد. همان‌طور که می‌دانید پیش از این تنها عکس با کادر مربعی می‌توانست در اینستاگرام منتشر شود. اگرچه امروز این محدودیت برداشته شده اما همچنان بسیاری از کاربران این شبکه اجتماعی از همان کادر مربعی استفاده می‌کنند. کادر مربع، زیبایی‌شناسی و چیدمان متفاوتی با کادر مستطیل دارد. در کادر مربع کانونیت سوژه اهمیت بیشتری دارد. سوژه در مرکز قرار می‌گیرد و اهمیت سایر عناصر موجود در عکس کاهش می‌یابد. قاب مربعی اینستاگرام در عکاسی با موبایل، سوژه را به کانون عکس برگرداند، گویی سوژه عصر اینستاگرام که انسان است دویار به کانون توجه و مرکز فوکوس برگردانده شده باشد. عکاسی موبایلی اینستاگرامی، انسان را به‌عهد پیش از گالیله

برمی‌گرداند، آن‌جا که مبنای تعریف واقعیت، فهم بشر است نه الزاماً آنچه در واقع وجود دارد. درباره اثری که تغییرات تکنولوژیکی در رسانه‌ها و به‌ویژه عکس در زندگی و فهم بشر از جهان ایجاد می‌کند، می‌تواند به تفصیل بحث کرد و سخن گفت اما جدا از این مباحث عکاسی با موبایل در ایران ژانر عکس خیابانی را متداول کرد، چون شما به راحتی بدون این‌که کسی متوجه بشود می‌توانید با موبایل‌تان عکس بگیرید. از همین‌رو عکاسی مستند یا عکاسی خبری یک خصیصه شهروند خبر نگارانه به‌خود گرفت و رشد بسیاری پیدا کرد. بسیاری از افراد معمولی یعنی کسانی که عکس حرفه‌ای نیستند، با هزینه کردن یکی، دو میلیون تومان می‌توانستند گوشی‌های با کیفیت بخرند که دوربین‌های عکاسی خوبی دارند و همیشه در جیب‌شان نگه دارند تا هر موقع لازم شد عکس بگیرند. این موضوع به‌نظرم باعث شده موج خبری‌های رسانه‌ای بیشتر به‌مباحثی مانند مدیریت شهری و تضاد طبقاتی توجه نشان دهد. ضمن این که اولویت ارزش‌های خبری نیز تا حدودی تغییر کرده و رویکرد رسانه‌ها به رویدادهای دنیای پیرامون به رویکرد نگاه عامه مردم نزدیک‌تر شده‌است. رسانه‌های رسمی به یک گونه دنباله‌رو رسانه‌های غیررسمی یا همان شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. این موضوع قطعاً با «عکاس موبایلی» شدن شهروندان ارتباط مستقیم دارد.

چیدمان عناصر در عکس و برجسته‌سازی آن‌ها در عکس‌های حامل معنا و فضا بود اما عکس‌های موبایلی که امروز می‌بینیم واقعاً چیزی غیر از یک تقلید پر تکرار و خسته‌کننده نیست. به‌همین دلیل سعی کردم به جای عکاسی با موبایل یک عمدتاً با محوریت اینستاگرام و انتشار سریع عکس‌ها تعریف می‌شود، عکاسی با دوربین‌های کوچک را شروع کنیم، چون کار کردن در فضای هنری نیازمند بروز زمینه‌هایی است که خلایق آدم را تقویت کند، برای این کار فضای پر تکرار عکاسی با موبایل مناسب نیست.

### یادداشت

بهرتر شده است اما متأسفانه هنوز هم بسیاری از رسانه‌ها بدون ذکر منبع و پرداخت حقوق معنوی و مادی اثر، از عکس استفاده می‌کنند. در مورد دستمزدها اما هنوز مشکل مال‌سالی است. دستمزد عکاسان خبری اگر چه در خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف متفاوت است اما به‌طور کلی متناسب با خدمت‌مستولیتی که دارند نیست. ضمن این که برخی از خبرگزاری‌ها به عکاسانی که با دوربین خود برای آن رسانه‌ها عکس می‌گیرند، دستمزد بسیار ناچیزی تحت‌عنوان حق‌التصویر در نظر گرفته‌اند که به هیچ وجه انگیزه‌بخش نیست و در واقع با توجه به کمبود کار و افزایش روزانه تعداد عکاسان فرآیند تحصیل دانشگاهی، تجربی و... به نوعی بهره‌کشی به حساب می‌آید. این دست‌آورد عکاسان بیمه‌هم نمی‌شوند.

به‌حال ذکر مصیبت در حوزه عکاسی خبری کم نیست و مجال و مقال بیشتری می‌طلبد. با این وجود چنان‌که گفته شد نکته مهم این است که متأسفانه هنوز در ایران ارزش و اهمیت تصویر درک نشده است. علی‌المصاب مهم‌ترین چالش در میان جامعه عکاسان مطبوعاتی این است که ارزش کار آنها چه در محل کار و چه در محافل رسمی و... دیده نمی‌شود و عمدتاً به چشم زینت‌المجالس به یک عکس نگاه می‌کنند که صالبت‌نگاه درستی نیست. امیدوارم سال آینده در روز عکس از بر طرف شدن این مشکل‌ها حرف بزنیم، نه از تکرار همیشه‌شان! ان‌شاءالله.

### آموزش روز آمد، مهم‌ترین نیاز عکاسی مطبوعاتی است

| حمید فروتن | رئیس انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران |

آن را تعیین می‌کند. از این نظر بیره نیست اگر ضعف آموزشی را مهم‌ترین مشکل حرفه‌مان بدانیم. بسیاری از متولیان رسانه‌ها از مدیران مسئول تا سردبیران و دبیران آنها شناخت کاملی از اهمیت و اثرگذاری عکس‌های خبری ندارند. من فکر می‌کنم ضمن این که عکاسان حتماً باید دانش روزنامه‌نگاری و اطلاعات عمومی حوزه‌های مختلف خبری را بیاموزند، مسئولان اداره روزنامه‌نگار باید سعی کنند دانش پایه‌ای عکاسی را فراگیرند و توجه جدی‌تری به این حرفه نشان بدهند. به‌نظر می‌رسد با توجه به این که مدیران ارشد رسانه‌ها عمدتاً با روزنامه‌نگار بودند یا چهره‌های سیاسی و فرهنگی هستند، چنان‌که لازم است درک دقیقی از مکانیسم و فضای عکاسی و عکاسی مطبوعاتی یا عکاسی خبری ندارند. این نقیصه هم محدودیت‌ها و دشواری‌های خاصی را بر سر راه فعالیت رسانه‌ای عکاسان ایجاد کرده‌است. مساله حق مولف از یک سو و حق‌التصویر از سوی دیگر در ایران واقعاً یک بحران جدی است. در حوزه حق مولف یا کپی‌رایت البته وضع ما به نسبت سال‌های گذشته

می‌کنم به‌صورت اجمالی مهم‌ترین ضعف‌های عکاسی خبری را امروز و گوش‌زد کنم. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های مادر ایران در حوزه آموزش عکاسی خبری است. فقر منابع علمی در این حوزه به شدت احساس می‌شود و این در حالی است که مقالات و کتاب‌های متعدد و روزآمدی درباره این حرفه به‌صورت روزانه در جهان منتشر می‌شود. متأسفانه کتاب‌های عکاسی خبری به‌ندرت ترجمه شده‌اند و در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی هم به‌ندرت می‌توان از اطلاعات روزآمد عکاسی خبری در جهان سراغی گرفت. همین نقیصه باعث شده با وجود بسط‌بسیاری از عکاسان چیره‌دست و برجسته جهان در ایران که بسیاری از جواز معتبر سیمینا‌های جهان را دریافت کرده‌اند، وضعیت کلی عکاسی خبری نامناسب باشد و چنگی به‌دل نزنند. سطح کلی تخصص در عکاسی خبری در ایران متأسفانه بالا نیست و این موضوع با گذر زمان شرایط را برای توسعه این حرفه در آینده دشوارتر می‌کند. آموزش روزآمد در حرفه عکاسی مطبوعاتی و خبری قطعاً مهم‌ترین حلقه‌ای است که امکان یا امتناع توسعه

آن سالی که زلزله بم اتفاق افتاد، تا زمانی که نخستین عکس‌ها از این واقعه تلخ در رسانه‌ها منتشر نشد، کسی عمق فاجعه را درک نمی‌کرد. در واقع پس از انتشار نخستین عکس‌ها بود که سیل کمک‌های جهانی به ایران سرازیر شد و رسانه‌های مختلف خبری در دنیا به تلفات این رخداد بزرگ توجه کردند و واکنش نشان دادند. این اتفاق مرا به یاد جمله مشهور دکتر معتمدزاده پدرو علم‌ار تباطات ایران می‌انداخت که می‌گفتند: یک تصویر می‌تواند به اندازه هزاران خبر، گویا‌تر گذار باشد. عکس در گذرگاه تاریخ هر جا که لازم بوده حادانه یار خدای را ثبت و جاودانه کرده است. بخش مهم و اثرگذاری از تفسیر و قضاوتی که ما درباره عکس‌های از خدادهای گذشته داریم، در واقع نشأت گرفته از زوایه دید عکاسی است که از آن رویدادها عکس گرفته‌است. از همین نکته می‌توان اهمیت عکس و به‌ویژه عکس خبر را درک کرد، زیرا عکس مستندترین چیزی است که می‌توان از واقعه یا واقعیت ارایه کرد. ضمن این که عکس نزدیک‌ترین کسی است که سوژه را ثبت می‌کند. عکس‌های مربوط به جنگ‌ها، حوادث طبیعی، شورش‌ها و... این موضوع را تصدیق می‌کند. با این همه هنوز در ایران ما بسیاری از متولیان امور رسانه‌ها چنان‌که باید و شاید عکس را جدی نمی‌گیرند و اهمیت آن را تمام و کمال درک نمی‌کنند. به‌همین دلیل هم وضع عکاسی خبری در ایران چندان‌که باید و شاید نیست. در این یادداشت سعی